

کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی
مدخلی بر بازننگری علوم سیاسی در ایران
دکتر محمدباقر حشمت زاده*

چکیده

در بهار سال ۱۳۸۱ش گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تجربه‌ای را به آزمون گذاشت و کلاسی را با عنوان کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی برگزار نمود. در مقاله حاضر آن بخش از فعالیت کارگاه و آزمایشگاه منعکس شده که شرکت کنندگان برای فهم عینی و تجربی از یک مفهوم کلیدی یعنی نظم، به عرصه هندسه سوق داده شده و با استفاده از چوب کبریت و مکعبهای کوچک تصاویر و سازه‌هایی را خودشان ساخته‌اند و با همین تولیدات، شخصاً به تولید و تعریف نظم مبادرت کرده‌اند. انتظار آن است که با کاربرد همین روشها و ابزارهای ساده و کم خرج و ضمن فراهم کردن امکان مشارکت جدی دانشجویان در فضای علمی، وسایل و متدهایی برای تحول در شیوه آموزشی و پژوهشی، ارتقای انگیزه‌های دانشجویان و استادان فراهم گردد.

کلیدواژه: علم سیاست، نظم، کارگاه آموزشی، بازننگری، افت آموزشی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

علم سیاست دانشی سهل و ممتنع است. به‌همین دلیل غالباً شهروندان خود را نسبت به سیاست واقف و دانا می‌دانند، زیرا در همه جا و هر زمان با مظاهر و مصادیق سیاست و عملکرد دولت و حکومت رویارو بوده و از جانب این موارد فرصتها و تهدیدها و خیر و شرهای جدی زیادی را تجربه کرده‌اند. اما وقوف به سیاست و کشف و شناخت واقعیت و ماهیت این پدیده پیچیده و شگرف، به صورتی علمی و دقیق، دشوار و ممتنع بوده و امری است که مشاهیری چون ارسطو، غزالی، فارابی، ماکیاول، ژان لاک، روسو، ماکس وبر و بسیاری دیگر از افراد را متحیر و شگفتزده نموده است.^(۱)

از ابتدای پیدایش تمدنها و تأسیس دولتها، همواره حکومت‌هایی وجود داشته‌اند که بیش و کم متولی اصلی اداره امور انسانی و اجتماعی بوده، مستقیم و غیر مستقیم به نام حفظ وحدت، نظم، امنیت و عدالت، اعمال قدرت کرده‌اند و مصدر بالاترین حد خوبی و بدی بوده‌اند.^(۲)

چنین پدیده فراگیر و اساسی‌ای، همواره برای همگان موضوعیت و اهمیت داشته، مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. از طرفی آسیبها و هنجارهایش مورد شناسایی و تشخیص واقع شده و برای بهبود ساختار و کارکردش، راه‌حل و راهکارهایی ارائه شده است. گواه این مدعا دهها مکتب سیاسی - فلسفی و صدها دولت و حکومت است که هر کدام زیانها و دستاوردهایی داشته‌اند. از این رو کشورهای ثروتمند و قدرتمند، از دیرباز تا امروز، شاهد تأسیس و تشکیل آکادمیها و پژوهشکده‌های سیاسی فراوانی بوده‌اند.^(۳)

مطالعات و تألیفات سیاسی، هم زمان با طلوع تمدن غرب و تأسیس و توسعه امپراطوریهای استعماری ماورای دریاها و اروپایی اوج گرفت و مانند بسیاری از کالاها و خدمات باختریان رهسپار جوامع خاور زمین گردید. این محصولات نیز به نوبه خود امواجی از عشق و نفرت، جاذبه و دافعه، رد و قبول ایجاد کردند. اما در نهایت در دهه‌های اخیر مبدل به گفتمان غالب در فضای علمی و دانشگاهی جهان سوم شده و دولتهای این مناطق نیز دانسته و ندانسته، کم و زیاد، آشکار و پنهان از این آموزه‌ها تأثیر پذیرفتند.^(۴)

شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأسیس دولت جمهوری اسلامی به عنوان ساختاری جهت تحقق اهداف و شعارهای آن، از این زاویه نیز قابل تعبیر و تفسیر است. محتوای «جمهوریت» در این نظام (علی‌رغم اسلامی و ایرانی شدن) به نوعی جذب و تحسین مدل دموکراسی و مردم سالاری غربی است، در عین حال واژه کلیدی‌تر یعنی اسلامی

بودن به عنوان قید و صفت اساسی این نظام تا حدود فراوانی نشانگر دفع و طرد سلطه دولت و تمدن غربی است.

بنابراین وقوع انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی فرصتها و تهدیدهای بسیار جدی‌ای را برای علم و عمل سیاسی در ایران ایجاد کرد. این مرحله از تاریخ اجتماعی ایران برای سیاست فرصت بود زیرا ابواب سیاست و حکومت به روی توده‌ها باز شد و کم و کیف مشارکت سیاسی را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داد.^(۵) از طرف دیگر تهدیدها و آسیب‌هایی نیز ابل تذکر است. مثلاً تصور این بود که می‌توان نظام نوینی تشکیل داد بدون اینکه چیزی از مدلها و نظامهای حکومت‌های دیگر اقتباس گردد. همچنین به هم ریختگیهای طبیعی انقلاب که به ابعاد گوناگون جامعه عارض شده و مدت‌ها مانع نهادینه شدن ساختار دولت و حکومت جدید گردید، قابل توجه است.^(۶)

علم سیاست نیز در تماس با انقلاب، علائم متفاوت و متعارضی دریافت کرد برخی آن را شماتت می‌کردند که یا در خدمت نظام پیشین بوده یا در قبال آن ساکت و بی‌تفاوت بوده است؛ حتی بدون در نظر گرفتن اینکه اگر این علم ظرفیت و قابلیت داشت، چرا نتوانست رژیم پیشین را حفظ کند؟! اینگونه برداشتها و تعابیر، سبب می‌شد که نظام نوین در به کارگیری و استخدام دستگاه علوم سیاسی مردد و بدبین باشد. گروهی معتقد بودند که اسلام و انقلاب با توانمندی‌ای که در ساقط کردن رژیم قدرتمند پهلوی و حکومت ریشه‌دار شاهنشاهی داشت، برای سیاست در ایران و جهان حرفها و دستاوردهای زیادی دارد که می‌توان آنها را به مدد ابزارها و متدهای نوین غربی علم سیاست، روزآمد کرد و در سطح جهان تبلیغ نمود.

علوم سیاسی همچنین توشه‌ها و ریشه‌های متفاوت و گوناگونی برای پاسخگویی به این رویکردهای متفاوت داشت: از یک سو میراث وارداتی و غربی که محصول ترجمه و اقتباس متون فرنگی بود و استادان و مدرس‌هایی که حاصل تربیت و تحصیل آن سو بودند و از سوی دیگر توشه‌ها و ریشه‌های اسلامی و ایرانی که بعضاً مدت‌ها مهجور مانده بود و به زبان روز نبود، اما بر این اعتقاد تکیه داشتند خاستگاه اصلی پیروزی انقلاب و براندازی شاه بوده‌اند.

بنابراین طی سه دهه گذشته ساز و کارهای آموزشی و پژوهشی علم سیاست در کشاکش این چنین جریاناتی، فرصتها و تهدیدهایی حیاتی را تجربه کرده‌اند و در عین

حال با بحران وسیع و عمیق ولی تا حدودی خلاق و پویا رویاروی گشته‌اند به گونه‌ای که توصیف و توضیح و تنقید عالمانه و منصفانه آن را بسیار دشوار نموده‌اند.^(۷)

نگارنده به عنوان دانشجوی علم سیاست، خود قریب چهار دهه در چنین فضایی شناور بود و در حد خود تلاش داشت در جریان شناسی و جریان‌سازی علمی و عملی سیاست نقشی، هر چند اندک، ایفا نماید.^(۸)

یکی از وسائلی که نگارنده برای این هدف به کار گرفت، در کنار یافته‌ها و تجربیات حاصل از عمر، برپایی کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی در بهار ۱۳۸۱ش در گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی بود. تجربیات و یافته‌های این دوره، استخراج و مورد تحلیل و استنتاج قرار گرفت. در این مسیر بسیاری از وجوه و ابعاد علوم سیاسی، بازخوانی و باز تعریف شد که البته این امر در تعامل و در موازات با مسائل واقعی سیاست در داخل و خارج صورت گرفته است.

این تجربه که گزارش بخشی از آن را در مقابل دارید، شامل یک معرفی، دو بخش و یک نتیجه‌گیری است، در قسمت معرفی اهداف و برنامه کارگاه تشریح گردیده است. در بخش اول، علم سیاست از حواشی و ابعاد دور بررسی شده است، به این معنا که از علومی چون هندسه، فیزیک و شیمی به عنوان علوم دقیقه که صفت پرطمطراق علم را یدک می‌کشند، برای اعضای کارگاه بحث شده و تجربیاتی چون کاربرد چوب کبریت و مکعب برای نمایش نظم، به عنوان یک متغیر و مفهوم بنیادی سیاست صورت پذیرفته است. همچنین بازدید از ساختمان به عنوان یک سازه مهم و ربط دولت و تمدن و سیاست به ساختمان، بیان شده است. بازدید از آزمایشگاه فیزیک و شیمی بخش دیگری از برنامه‌های کارگاه بود و مجموعاً در بخش اول تلاش گردید اعضای کارگاه در قیاس با علوم دقیقه و کاربردی، به محتوا و ماهیت و قابلیت و ضعفهای دانش سیاسی واقف گردند.

در بخش دوم دغدغه این است که سیاست از متن و درون خودش مورد شناسایی و قابلیت سنجی واقع شود. به همین منظور عمدتاً چندین پرسشنامه برای نظر سنجی مخاطبان گوناگون مورد استفاده و تحلیل واقع شده است و از زاویه اظهارات پاسخگویان، مسائل علمی و عملی سیاست در سطح ایران و جهان بحث و شناسایی شده است.

در هر فصل و در هر قسمت، متناسب با یافته‌ها و تجربه‌های صورت گرفته در کارگاه راهکارهایی برای ارتقاء و اصلاح علم و عمل سیاسی ارائه گردیده است.

امید است که طرح و انتشار این نوشتار در حد خود محرکی برای بازبینی، بازخوانی و باز تولید جمعی دانش سیاسی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، ایرانی و جهانی بوده و زمینه تعامل بیشتر و عمیق‌تری را بین علم و عمل سیاسی فراهم نماید. اما در این مقاله، معرفی و فصل اول گزارش کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود. در قسمت معرفی، چگونگی کارگاه و اهداف آن به همراه برنامه‌های اجرا شده بیان شده است. مهم‌ترین ضرورت و کاربرد اجرای این کارگاه، تجربه نگارنده در رویارویی با اُفت آموزشی و انگیزشی دانشجویان این رشته طی سالیان طولانی بود. برپایی این دوره می‌توانست این آسیب را مورد تشخیص علمی قرار دهد و برای رفع آن راهبرد و راهکار ارائه نماید. قسمت دیگر این مقاله، فصل نخست از بخش اول گزارش است که در آن اولین و ساده‌ترین تجربه آزمایشگاه علوم سیاسی تعریف و تشریح شده است. تجربه‌ای که طی آن با استفاده از دانش هندسه تلاش شد مفهوم کلیدی نظم در دانش سیاسی به شکلی ملموس و با استفاده از مشارکت و خلاقیت دانشجویان تجسم و تجلی یابد. این امر به مدد چوب کبریت و مکعبهای کوچک صورت گرفت و نتایج قابل تأملی داشت.

معرفی و اهداف کارگاه

درس «کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی» در بهار سال ۱۳۸۱ش نخستین بار برای دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی ارائه گردید. تعداد ۱۴ نفر از دانشجویان این درس را به عنوان ۲ واحد اختیاری انتخاب نمودند. مشخصات این دانشجویان به شرح زیر است:

پسر	دختر	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	دانشجویان خارجی
۸ نفر	۶ نفر	۵ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۳ نفر

دانشجویان خارجی عبارت بودند از خانمی از ترکیه، خانمی از یمن و آقای از افغانستان. از لحاظ فراوانی و پراکندگی متغیرهایی چون جنسیت و سال تحصیلی بالنسبه وضعیت متعادل و متناسبی در کلاس وجود داشت که تقریباً با کل دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی همخوانی داشت.

این تنوع شاید در سایر کلاسها کمتر اتفاق افتاده باشد و لذا برای این کارگاه فرصت مناسبی فراهم نمود. نظر به نو بودن عنوان درس انتظار می‌رفت دانشجویان بیشتری در این کلاس ثبت نام کنند، در عین حال به خاطر اختیاری بودن این درس و محدود بودن کل دانشجویان این رشته در آن دوره، حضور همین تعداد دانشجو را می‌توان معرف جذابیت عنوان و میزان علاقه دانشجویان به شکستن چارچوبهای متداول و محتوایی رشته علوم سیاسی تلقی نمود.

در هر صورت یافته‌ها و قضایای حاصل از این تجربه را باید با احتیاط مورد بررسی قرار داده تا فرصت برای آزمونهای وسیع‌تر و جمعی‌تری فراهم شود. به طور مثال مشاهدات عینی این کارگاه نشان می‌داد:

بین «میزان علاقه و مشارکت دانشجویان با سال تحصیلی آنها رابطه معکوسی وجود دارد.» یعنی دانشجویان سال اول، با مسؤلیت و جدیت بیشتری در این کلاسها حاضر شدند در حالی که هر چه دانشجویان به سالهای بالاتر می‌رسند اُفت آموزشی و افت انگیزشی آنها بیشتر می‌شود و علائمی از بی تفاوتی، یأس و دلزدگی در آنها بروز می‌نماید.

پس تجربه این کارگاه می‌تواند به عنوان نوعی آسیب شناسی از ساختار و کارکرد آموزش عالی در یک رشته معین مورد توجه قرار گرفته و راه را برای شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر مشکلات و موانع بگشاید. «تشخیص» ناهنجاریها شرط لازم برای «تجویز» راه‌حلهای و راهکارها می‌باشد. به طوری که تغییر مختصری در روشهای آموزشی و برقراری رابطه بهینه بین استاد و دانشجو و به کارگیری برخی اسبابها و ابزارهای ساده و ارزان قیمت کمک آموزشی، می‌تواند تأثیر محسوسی در ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به جای بگذارد.

چگونگی مشارکت دانشجویان

مشارکت کمی و کیفی دانشجویان نسبتاً خوب بود به طوری که غیبتها در مقایسه با سایر درسها و کلاسها کمتر بود و دانشجویان در مباحث جمعی و انجام تمرینات و تکالیف فعال بودند. البته در اینجا نیز فعالیتها در حد انتظار نبود (شاید انتظار خیلی بالا بوده است). نگارنده طی چند دهه تعلیم و تعلم در این رشته و تماسهای بسیاری با دانشجویان فراوانی از رشته علوم اجتماعی همواره شنوای این نقد بود که درس و کلاسها خیلی کتابی، خشک، غیر کاربردی، نظری، محصور در چهاردیواری اتاق کلاس، بریده از

آزمایشگاه واقعی جامعه، ترجمه‌ای وارداتی، یکطرفه، دبیرستانی و ... هستند. نگارنده نیز به همراه بسیاری از همکاران خود، کم و بیش پذیرای همین نقدها و آسیبها بوده‌اند و هر یک در حد خود برای استقرار علوم سیاسی‌ای مطلوب کوششهایی مبذول داشته‌اند.

طبعاً با حاکم بودن چنین افکاری در فضای رشته، انتظار می‌رفت که درسی هنجارشکن با موضوعی بدیع و به کارگیری روشها و ابزارهایی عملیاتی و محسوس استقبال و عکس‌العمل شورانگیزتر و چشمگیرتری را موجب شود. در ادامه این نوشتار برخی از دلایل و نظریات در توضیح این مسئله ارائه می‌شود که مؤید این نظریه مشهور می‌باشد: «مقاومت در برابر تغییر»^(۹)

برنامه کارگاه و آزمایشگاه

در نخستین جلسه کارگاه، عنوان درس، «اهداف و ضرورت این کارگاه، روشها و شیوه‌های» آن تعریف و تشریح گردید و منابع زیر بین آنها توزیع شد:

۱. هندسه سیاسی؛^(۱۰)
 ۲. مقاله اندیشه سیاسی کارآمد؛^(۱۱)
 ۳. مقاله نگرش سنجی سیاسی دانشجویان؛^(۱۲)
- این متنها عمدتاً حاصل دهها کارگاه آموزشی و تحلیل سیاسی هستند که طی سالهای دو دهه اخیر به شکلی کاربردی برای کارشناسان ادارات و سازمانهای زیر برگزار شده‌اند:

۱. بخشهای مختلف نیروهای نظامی و انتظامی؛
۲. صدا و سیما؛
۳. وزارت خارجه؛
۴. وزارت کشور؛
۵. وزارت کار و امور اجتماعی^(۱۳)
۶. خانه کارگر؛
۷. وزارت نفت؛
۸. اردوهای علمی - فرهنگی متعدد دانشجویان سرار کشور؛
۹. شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما»؛
۱۰. انجمن روابط عمومی کشور.^(۱۴)

در این کارگاه‌ها که بعضاً در شهرهای متعددی برگزار گردید، از یک سو نگارنده یافته‌های علمی، آکادمیک و نظری خود را که حاصل آموختن در فضای حوزه و دانشگاه بود به شکلی فشرده، دسته‌بندی شده و کاربردی ارائه داد و از سوی دیگر تماس با انبوهی از کارشناسان از عرصه‌های مختلف اجرایی که هریک حاوی تحصیلات و تجربیات ارزنده‌ای بوده اند، فرصتی برای یک «ایران شناسی سیاسی، وسیع و عمیق» فراهم می‌آورد.

این کارگاه‌ها امکان خوبی برای اجرا کردن این استراتژی بود:

۱. علمی شدن عمل؛

۲. عملی شدن علم.

حاضران و شرکت کنندگان در کارگاه‌ها از یک سو نگاهی علمی به عمل و اقدام اجرایی و اداری خود می‌انداختند و در حد همین کارگاه امکان داشت که از آن پس اقدام و کار خود را علمی‌تر کنند و بهره‌وری آن را بیشتر نمایند؛ و از سوی دیگر نگارنده نیز به عنوان معلم علوم سیاسی و متمرکز بر مسائل ایران، علم خود را عملیاتی‌تر و کاربردی‌تر می‌نمود.

از دانشجویان این درس و این کارگاه خواسته شد پیشاپیش، متون سه‌گانه را مطالعه نموده و هرچه بیشتر با اهداف و شیوه‌های کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی آشنا شوند تا به این ترتیب مشارکتی فعال‌تر و آگاهانه‌تر در جلسات داشته باشند. به همین منظور طی نشست‌هایی یافته‌های این منابع مورد بحث و نقد قرار گرفت و با نتایجی که از پرسشنامه‌های خودشان استخراج شده بود، مقایسه گردید. انتظار این است که چنین روشی عملاً و عمیقاً دانشجویان را با برخی از مسائل کلیدی کشور و برخی از مفاهیم نظری علوم سیاسی آشنا نماید. این مدعا در طول تشریح برنامه کارگاه بیشتر قابل اثبات خواهد بود.

برنامه‌های اجرا شده

در طول حدود ۱۴ جلسه این کلاس و کارگاه، به منظور کمک به مشاهده و تجربه مستقیم دانشجویان در بازنگری و باز تعریف مفاهیم و کلید واژه‌های دانش سیاسی و کاربرد آنها برای تشخیص و تجویز مسائل کلان کشور، برنامه‌هایی اجرا گردید که بخشی از آن در این مقاله گزارش خواهد شد.

اولین و ساده‌ترین سنت شکنی شکلی، که در این کارگاه به عمل آمد آن بود که صندلیهای کلاس در هر جلسه به شکل میز گرد چیده می‌شد. همین امر امکان و انگیزهٔ مباحثه و مشارکت جمعی را به طور محسوس بالا برده و بعضاً این احساس به حضار القاء می‌شد که اینجا شبیه یک جلسهٔ تصمیم‌گیری و اقدام مسئولان و مقامات است و هر نفر باید نقشی به عهده گیرد و به طور جمعی مسائل ملی و کلان را مورد تشخیص و تصمیم‌گیری قرار دهند. این شیوه می‌تواند تا حدودی روحیهٔ جدیت و مسئولیت را چه به عنوان دانشجویی برای درس خواندن، چه به عنوان شهروندی برای مشارکت فعال و انتقادی، تقویت نماید.

در اولین قدم از دانشجویان خواسته شد در منزل و خوابگاه با تعداد معین و مساوی چوب کبریت، شکلهایی ساخته و به کلاس بیاورند تا با استفاده از آنها دربارهٔ «نظم و بی‌نظمی» به عنوان یک مفهوم کلیدی و جامعه‌شناسی سیاسی و یک مسئلهٔ کلان اجتماعی و سیاسی بحث و نتیجه‌گیری شود. (کار دانشجویان ضمیمه است) همچنین با تعدادی مکعب در یکی از جلسات کارگاه چندین بنا ساخته شد و این امر دستمایه‌ای عینی و تجربی برای بازخوانی و بازتعریف مفاهیم اساسی چون نظم، نظام و ساختار و کارکرد گردید.

کاربرد و ضرورت‌های کارگاه علوم سیاسی

یکی از نخستین مطالب برای شروع کلاس کارگاه طرح این موضوع و سؤال بود: «دربارهٔ واقعیات و ایدئالهای رشتهٔ علوم سیاسی از دید خودتان بحث و گفت و گو کنید.» طرح این موضوع و مسئله مبتنی بر پاره‌ای تجربیات و مفروضات بدین شرح بود: داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاهها، نسبت به انتخاب رشته‌های مورد نظر خود، باورها و برداشتهایی داشته و هر گزینه برای آنها معنا و اعتبار ویژه‌ای دارد. پذیرفته شدگان و فاتحان این سد سکندر، پس از چند ترم تحصیل در رشتهٔ خود و آشنایی با فضای دانشگاه و متون و منابع و مدرسان، دست به مقایسهٔ واقعیات و ایدئالهایشان می‌زنند و ارزیابی و ارزش‌دآوری آنها شروع می‌شود و به تدریج وسعت و عمق می‌یابد. نتیجهٔ این روند به زودی در رفتارهای اجتماعی و علمی دانشجویان بازتاب می‌یابد و باعث ایجاد فضا و جوئی خاص می‌شود که استاد و دانشجو از آن متأثر شده و به درجاتی برای تداوم و تعمیق فعالیت‌های علمی، انگیخته یا افسرده می‌شوند.^(۱۵)

طی سالیان متمادی حضور در دانشگاه و تجربهٔ چنین مسائلی می‌توان فرضیه و برداشتی بدین شرح در ضمیر ناخودآگاه یا زبان گویای دانشجویان و استادان به دست آورد: «واقعیات موجود در رشتهٔ علوم سیاسی نوعاً با آرمانها و ایدئالهای اولیهٔ دانشجویان تطابق ندارد. تیره بودن و محدودیت فرصتهای شغلی برای دانش آموختگان علوم سیاسی نیز سرخوردگی ناشی از گسست واقعیات و ایدئالها را تشدید کرده، مجموعاً موجب کاهش امید دانشجویان گردیده و افت آموزشی و افت انگیزشی آنان را موجب می‌شود» زمانی که باور یاد شده رایج شود و آسیبهای مذکور بروز کند و «علمی و کاربردی» بودن این رشته با سؤال و چالش مواجه گردد، می‌توان انتظار داشت که دولت و مسئولان اجرایی نیز برای سرمایه گذاری و اعتلای این رشته و به کارگیری دانش آموختگان آن دچار تردید گردند و این امر فرصتهای شغلی این رشته را محدودتر کرده و موجب افت انگیزه و آموزش آنها خواهد شد.



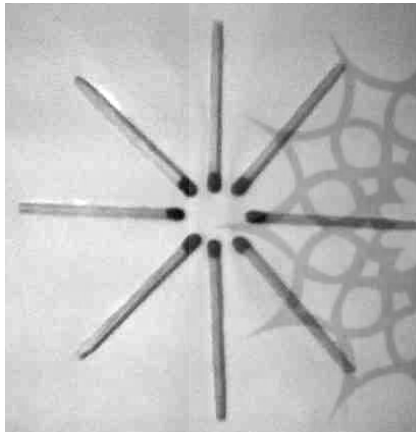
همچنین باور به افت علمی و آموزشی این رشته موجب تشدید فاصلهٔ آرمانها و واقعیات رشتهٔ علوم سیاسی شده و همان اثر تخریبی را در زنجیرهٔ مورد بحث به جای می‌گذارد. به این ترتیب می‌توان فرضیهٔ زیر را برجسته کرده برای پژوهش و آزمون پیشنهاد کرد:

در دانشگاهها، دانش سیاسی دچار یک دور بسته عقب ماندگی است.

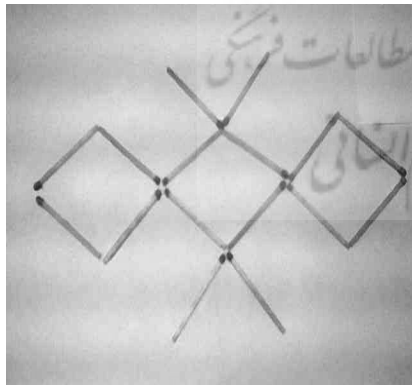
برپایی کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی، به زعم نگارنده، کوششی برای تشخیص وسیع، عمیق و دقیق آسیبهای این چرخه معیوب و ارائه تجویزهایی برای گسست این دایره و ارتقای رشته علوم سیاسی تا حدی شایسته می باشد.

نظم هندسی و نظم سیاسی آزمایش با چوب کبریت و مکعب

الف: سیاست و نظم



نظم از مفاهیم و ارزشهای کلیدی جامعه و سیاست می باشد.^(۱۶) هندسه از مجموعه علوم ریاضی، دانشی است که نظم را در وضعیتی ایستا و ثابت مطالعه می کند. یافته های این علم کاربردهای فراوان و ارزشمندی در فنون و تکنولوژی، مهندسی و معماری داشته و زندگی انسان را متحول نموده است.



دانشجوی علوم سیاسی اگر نظم و مجموعه های نظام مند متشکل از نقطه و خط، سطح و حجم را در همان حالت تقلیلی و هندسی، به گونه شخصی آزمون و تجربه نماید آمادگی بیشتری برای درک و فهم «نظم» در وضعیت تصعیدی پویا و پیچیده سیاسی و اجتماعی پیدا می کند. به همین منظور تجربه ساده ای برای این کارگاه به اجرا گذاشته شد. از دانشجویان خواسته شد با تعداد معینی چوب کبریت شکلهایی ساخته و مبتنی بر آن مفهوم و مزیت نظم را کشف و بیان نمایند. سپس در یک جلسه کلیه این گزارشها مورد بحث و نقد و جمع بندی قرار گرفت.

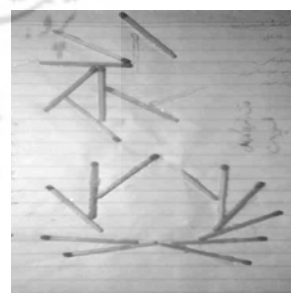
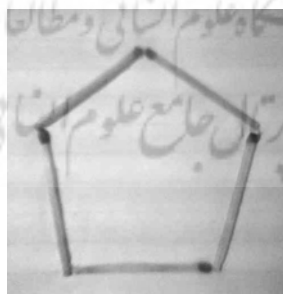
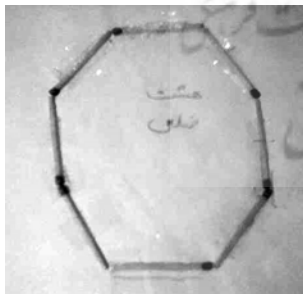
ب: نمونه‌های نظم هندسی

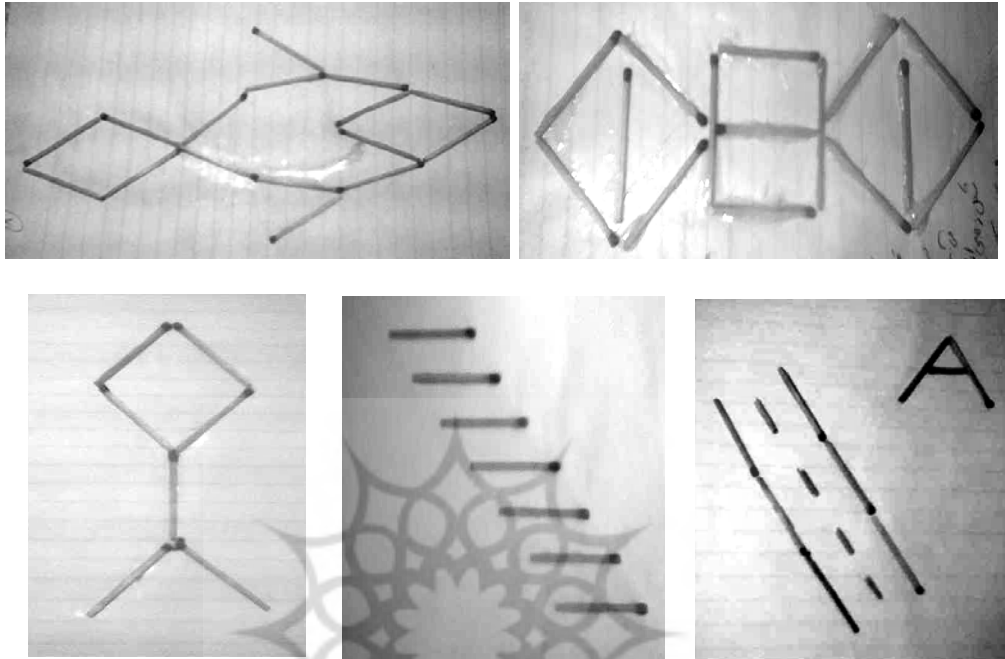
ابتدا اشکالی که به وسیله خانمها طراحی شده ارائه می‌گردد.

شکل ۱. متعلق به دختر دانشجوی اهل یمن است. این کار کاملاً تمیز و مرتب بوده و سلیقه و ظرافت زنانه در آن مشهود است. علی‌رغم سادگی، می‌توان جدیت طراحی را در انجام این وظیفه درک نمود. این شکل مثلاً می‌تواند نمادی از خورشید و مرکزیت و انوار تابان و دامن‌گستر آن باشد. نظم موجود در این شکل اساساً تحت الشعاع هنر و زیبایی آن قرار گرفته است. با اندکی تأمل می‌توان چنین برداشت کرد که دانشجو در طراحی و تولید این شکل برای خودش منطق و محاسبه‌ای داشته است.

شکل ۲. به وسیله خانم بیست ساله متولد تهران و دارای دیپلم علوم انسانی طراحی شده است. در نگاه اول نظم هندسی و ظاهراً ناتمام و ناقصی در آن قابل مشاهده است. این کار هم بالنسبه تمیز و ظریف است که می‌تواند منعکس‌کننده شخصیت خاص دختران باشد. این شکل علی‌رغم منظم بودن، احساس چندانی از هنر و زیبایی را بازتاب نمی‌دهد. اما در اینجا نیز می‌توان احساس مسؤلیت و جدیت دانشجو را در انجام این کار به عنوان امری جدی، پژوهشی و دانشگاهی استنباط نمود.

سایر شکلها را نیز می‌توان به همین سبک و سیاق تفسیر و تحلیل کرد. در پژوهشی وسیع و جامع می‌توان از گروهی از کارشناسان علوم هندسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای طراحی و تفسیر این مقوله سود برد.





تعریف تجربی نظم

در ذیل تعدادی از تعاریف دانشجویان دربارهٔ نظم که مبتنی بر آزمایش هندسی و شکلی چوب کبریتهاست، درج می‌شود:

خانم: هر چیزی که سر جای خودش قرار گرفته باشد. سازمان یافتن عناصر یک سیستم و مجموعه.

خانم: پیوستگی اجزای یک سیستم به یکدیگر؛ هر چیزی سر جای خودش قرار گیرد به طوری که اگر جای یکی از اجزا را تغییر بدهیم موجب ناهماهنگی سیستم می‌شود.

خانم: قرار گرفتن هر جزء در محل مرتبط با آن و انجام دادن وظیفه و مسئولیت خود و در عین حال هماهنگ و سازمان یافته با سایر اجزا، به طوری که از مجموع این اجزاء، سازمان و نظام یکپارچه و مطلوب حاصل شود؛ نظم در یک مجموعه و نظام از طریق عملکرد آن مجموعه قابل مشاهده و بررسی است.

آقا: قرار گرفتن اجزای هر مجموعه در کنار هم به گونه‌ای که برای رسیدن به مطلوب، ایدئال‌ترین حالت، اتفاق افتد و فعالیت به درستی تحقق یابد؛ قدرتی قرار داده

شده در نهاد هستی تا امور هستی به وسیله این توانایی تحقق یابند؛ نظم روزنه پاسخ به چراهایی است که در نهاد ما وجود دارد.

آقا: نظم عبارت است از قرار دادن هر چیزی در جای خود، بنابراین وجود نظم شرط اساسی برای پیشرفت کار و جوامع محسوب می‌شود؛ ساختار جامعه منظم غیر قابل سرنگونی است.

آقا: قرار گرفتن چند جزء در کنار هم که تشکیل کل یا ساختاری را بدهد به شرط اینکه اولاً این ساختار هدفدار و ثانیاً معلول علتی عقلانی باشد.

بهره طرح هندسی

در مجموع دانشجویان برای طراحی، مباحثه و جمع بندی این قسمت از کارگاه، چندین ساعت در کلاس و خارج از کلاس وقت صرف کردند. اهداف و نتایج این قسمت را می‌توان چنین برشمرد:

این شیوه نیز در حد خود گامی در مسیر عینی - تجربی کردن دانش سیاسی بود. دانشجویان این رشته، طی سالیان متمادی از نظری بودن، کتابی بودن و عوامل کسل‌کننده دیگر آن انتقاد داشته‌اند و این امر را یکی از دلایل بی تفاوتی و دلزدگی خود عنوان کرده‌اند.

با این شیوه ساده و تقریباً بی‌خرج، دانشجویان مشاهده کردند که آزمایشگاهی شدن علوم سیاسی در مراحل اولیه نیازمند هزینه‌های گزاف و ابزارهای پیچیده نیست و با اندکی مسئولیت و جدیت می‌توان برخی درسها و کلاسها را جاذب و نافع نموده و از سردی و رکود خارج نمود و انگیزه آموزشی را بالا برد.

گروه علوم سیاسی از طریق بررسی اشکال و تفسیر آنها با استمداد از نظر روان‌شناسان و علمای هندسه و علوم تربیتی، می‌توانند به شاخصهای عینی و کمی از شخصیت و نقاط قوت و ضعف علمی و تحقیقی دانشجویان برسند. این یافته‌ها از سویی گروه را برای به کارگیری انواع شیوه‌های کارآمد آموزشی و پژوهشی یاری کرده و از سوی دیگر تشکیل پرونده‌ای از چنین آثاری می‌تواند جهت هدایت تحصیلی و شغلی آینده دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

در قسمتی از این آزمون برای نشان دادن عینیت نظم و بی‌نظمی، دسته‌ای از چوب کبریتها روی میز ریخته شد که به شکل کُپه‌ای در هم و برهم درآمد و سپس تعداد

دیگری از چوب کبریت‌ها به شکل منظم و هندسی چیده شد. آنگاه از دانشجویان خواسته شد تعداد چوب کبریتها را در هر دو صورت شمارش کرده و سپس آن دو حالت را با هم مقایسه کنند. در حالت کُپه‌ای دانشجویان ناچار بودند با صرف وقت و دقت زیاد، دانه دانه چوب کبریتها را از هم جدا کرده و شمارش نمایند. اما در شکل منظم هندسی، خیلی سریع با محاسبات ریاضی تعداد چوب کبریتها محاسبه گردید. در اینجا یکی از مزایای نظم و تا حدودی مفهوم و ماهیت آن بدین شکل قابل تعریف شد: یک مجموعه منظم، اولاً قابل محاسبه است، ثانیاً قابل پیش بینی و پردازش است؛ و ثالثاً قابل نظارت، کنترل و بهره‌برداری است.

اگر از کُپه بی‌شکل چند چوب کبریت کم یا به آن اضافه شود چندان برای کسی مشخص نمی‌شود. در حالی که اضافه یا کم شدن حتی یک چوب کبریت به مجموعه منظم فوراً کشف می‌شود.

مجموعه منظم در عین حال زیباتر و جذاب‌تر از کُپه بود و مشاهده آن احساسی از آرامش و تعادل و ایمنی ایجاد می‌کرد. قابلیت یک مجموعه منظم برای پذیرش تغییر و تحول و توسعه و دستکاری، بسیار بالاتر و در عین حال از قوام و استحکام بسیار زیادی نیز برخوردار بود.

ج. حجم و نظم (آزمایش مکعب)

تعریف و مفهومی که با آزمایش چوب کبریتها درباره نظم و نظام حاصل شد با آزمایش مکعبهایی که مربوط به سرگرمیهای کودکان است، مورد بازخوانی و ارتقاء قرار گرفت. آزمایش چوب کبریتها تجلی ساده‌ترین و ایستاترین صورت نظم و بی‌نظمی بود و دانشجویان مشاهده کردند که مفهوم کلیدی نظم در یک چنین سطح ساده‌ای اولاً چه قدر پیچیده و ثانیاً حاوی یافته‌ها و قضایای متعدد و ارزشمندی است. در کاربرد مکعبها دانشجویان همان مقایسه را در سطحی بالاتر و پیچیده‌تر، یعنی در فضای حجمی آزمون کردند و مخصوصاً مفاهیم جانبی و مرتبطی همچون تعادل و استحکام را عمیق‌تر آزمون نمودند. به این ترتیب با روشی تکاملی و تدریجی دانشجویان آماده می‌شوند تا با ورود به مطالعات میدانی، مفاهیم و مصادیق مورد بحث را در عرصه بسیار پیچیده و پویای جامعه و حکومت آزمون و ادراک نمایند.

شکلها و حجمهای طراحی شده با چوب کبریتها و مکعبها و تعاریف و تفاسیری که بر این اساس دانشجویان از نظم و تعادل و ... ارائه کرده‌اند، می‌تواند ابتدا بسیار

ساده، پیش پا افتاده و بی‌اثر به نظر بیاید. در حالی که اولاً نکات ریز و خلاق و بدیعی در هر یک از شکلها و تعاریف قابل مشاهده است. ثانیاً اینها نخستین قدمهایی است که دانشجوی فرصت و جرئت ابتکار و تولید می‌یابد، تا ضمن حفظ و استفاده و احترام به یافته‌های بزرگان و پیشینیان، جسارت نقد و تولید را پیدا کند. البته چنین خلاقیت‌هایی اگر فقط در همین سطح و در همین کلاس پایان پذیرد بی فایده است، بلکه باید امکان تجربی شدن و تحول در تمام برنامه‌ها و درسهای علوم سیاسی فراهم شود و در هر درس و در هر سال بالاتر، آزمون کلید واژه‌های دانش سیاسی با ابزارها و شیوه‌های دیگری تحول و تداوم یابد. برای مثال در سال چهارم، دانشجو باید به حدی از آمادگی و تجربه رسیده باشد که بتواند آزمونهای یاد شده را با رایانه طراحی و پردازش نموده و از سوی دیگر این مفاهیم را مستقیماً در عرصه جامعه و دستگاههای سیاسی به صورت مشاهده‌ای و میدانی به انجام برساند.

سخن آخر

آزمون و تجربه مفهوم نظم با چوب کبریت و مکعبهای کوچک از یک سو فضایی جذاب، صمیمی، مشارکتی و با نشاط در بین دانشجویان ایجاد نمود و زمینه را برای تقویت حس مسئولیت و جدیت در آنها ایجاد کرد و از سویی دیگر فرصتی فراهم آورد که این مفهوم بسیار کلیدی، ذهنی و نظری تا حدودی عینیت یابد و هضم و ادراک آن برای دانشجو آسان و عمیق گردد تا بتواند آن را در متن بسیار گسترده و چند لایه جامعه و سیاست مورد توجه و تأمل قرار دهد.

خرد جمعی کارگاه و کلاس با مشارکت استاد و دانشجویان به این گزاره‌ها رسیدند که علم و دانش از جمله معرفت سیاسی، آن دسته از یافته‌ها و قضایایی است که اولاً بتواند پدیده‌های سیاسی و حکومتی را قابل توضیح و تفسیر نماید، ثانیاً باید بتواند تا حدودی روندهای آینده را دست کم در قالب چند سناریوی محتمل، قابل پیش بینی کند و سرانجام با مدد دانش قادر باشد پدیده مورد بحث را قابل کنترل و بهره برداری نماید و البته این امری کاربردی است که علم را به فن و تکنیک مبدل می‌کند.

در بهره نخست، علم همانند نور است که پدیده مورد بررسی را روشن کرده، ابعاد و اضلاع آن را واضح و قابل فهم و مشاهده می‌کند و در بهره دوم علم مساوی قدرت است؛ زیرا انسان هر چیز اعم از جمادات، نباتات، جانداران و دیگر انسانها را اگر

کنترل نماید یعنی نسبت به آنها قدرت دارد و قدرت امروزه کلی‌ترین و عام‌ترین موضوع دانش سیاسی است.^(۱۷)

طرح مقدماتی تأسیس اولین آزمایشگاه و کارگاه آموزش علوم سیاسی در ایران تعریف

سالنی با تجهیزات مختلف که دانشجویان با راهنمایی استاد و با استفاده از امکانات موجود، مفاهیم اصلی و کلیدی علم سیاست را در آنجا بررسی می‌کنند و به صورت عینی و تجربی و با همکاری یکدیگر تعریف آنها را کشف و بازنگری می‌نمایند.

آزمایشگاه

اینجا آزمایشگاه علم سیاست است زیرا دانشجویان تعریف، مفهوم و شاخص پدیده‌ها و موضوعات سیاسی را به صورت تجربی آزمایش می‌کنند و میزان صحت و روایی تعاریف رایج را بازنگری می‌نمایند. از این طریق فرصت برای نوآوری و خلاقیت‌های ذهنی آنان، فراهم و همچنین امکان «تشخیص» پدیده و آسیب‌شناسی مهیا می‌گردد.

کارگاه

اینجا کارگاه است، همانند کارگاه‌های فنی و معماری، در اینجا کارورزان و دانشجویان به مدد وسائل و با هدایت استاد، برخی موضوعات و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به نوعی، ماکت‌سازی و سناریوسازی می‌کنند. دستکاری مکرر ماکتها و سناریوها، امکان تجسم عینی و تجربی بهینه ساختارها، سازمان، سیاست و جامعه را فراهم می‌کند.

مشارکت

مجموعه و ترکیب استادان و دانشجویان، اصلی‌ترین موضوع کارگاه است. زیرا رفتار و روابط بین آنها به عنوان نمونه‌ای از کل جامعه و حکومت تلقی شده و حاضران ضمن مشارکت در این بازی، آن را به صورت فعال مورد مشاهده و آزمون قرار می‌دهند. تمام افراد در این بازی مشارکت داده می‌شوند و هر کدام از بازیگران با تأمل و تعمق در این بازی نکته‌ای از واقعیات سیاسی را کشف و لمس کرده و آن را بیان می‌کند. یافته‌های

به‌دست آمده به‌وسیله همه افراد جمع‌بندی، نقادی و ارزیابی می‌شود. بنابراین «یافته‌های» نهایی، محصول مشترک گروه بوده، عامل وحدت و اجماع نظر می‌گردد.

ضرورتها

در حال حاضر نمونه‌های آسیب‌زایی از افت انگیزشی و افت آموزشی در فضای دانشگاه‌ها قابل مشاهده است. تداوم و توسعه این وضعیت، سرمایه‌گذارهای مادی و معنوی را در این محیط بی‌نتیجه و بی‌توجیه می‌کند. فضای علمی و آموزشی کلاسها، هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ ارتباطات بسته است و این امر خلاقیت و ابتکار را سد می‌کند. مطالب به نوعی ذهنی است و موضوعات کلی و تاریخی بوده، مطالب و یافته‌ها عمدتاً به صورت نطق و خطابه استادان منتقل می‌شود.

اهداف


- ایجاد و تقویت انگیزه علمی و پژوهشی در استادان و دانشجویان؛
- عینی کردن و تجربی نمودن دانش سیاسی؛
- کاربردی کردن این علم سیاست؛
- درگیر کردن و به چالش طلبیدن دانش سیاسی با مسائل و نیازهای واقعی و فوری جامعه؛
- برآورد و شناخت توانمندیهای دانشجویان به صورتی وسیع، عمیق، دقیق و ثبت در پرونده تحصیلی و علمی آنها؛
- هدایت تحصیلی دانشجویان به موضوعات مورد علاقه، مطابق توانمندیهای کشف شده و اولویت نیازهای جامعه؛
- دعوت از مسئولان اجرایی- سیاسی در دوره‌های مختلف به عنوان استاد مهمان به منظور تعامل بین علم و عمل سیاسی.

واژگان اصلی

قدرت؛ نفوذ؛ وحدت؛ امنیت؛ نظم؛ جنگ؛ صلح؛ انقلاب؛ ساختار و کارکرد سیاست؛ نیرو؛ فشار؛ فرمانروایی؛ دیپلماسی و چانه زنی؛ ثبات؛ تغییر و تحول؛ تعادل و عدالت؛ ظلم؛ تدبیر؛ سلطه؛ آزادی؛ برابری؛ رفاه؛ واگرایی و همگرایی؛ همکاری و تعاون؛ تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی.

وسایل و امکانات

سالنی با حدود یکصد متر مربع مساحت؛ وسایل نمایش؛ انواع نقشه‌های جغرافیایی؛ انواع نمودارهای جمعیتی ایران؛ برخی وسایل آزمایشگاه فیزیک و مکانیک جهت نمایش و آزمون فشار و نیرو؛ برخی وسایل کارگاه معماری یا شبیه به آن همانند اجسام و اشکال هندسی از چوب و پلاستیک برای نمایش و آزمایش نظم و ساختار؛ وسایل شطرنج به گونه‌های مختلف برای آزمون مقوله‌های تدبیر، سازماندهی، صبر، آرایش نیرو؛ میزگرد با ظرفیت ۲۵ نفر هم به عنوان کلاس و هم به عنوان تمرین در نحوه مباحثه و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جمعی به شکل سناریوسازی کابینه، شوراها و دادگاهها با وسایل صوتی لازم؛ کامپیوتر؛ تریبون برای نطق و خطابه دانشجویان؛ اطاق شیشه‌ای برای نظاره و نمایش سناریوهای سیاسی که شرکت‌کنندگان انجام می‌دهند...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

۱. فیرحی، داوود (۱۳۸۲)، «روش شناسی اندیشه سیاسی در فلسفه غرب تمدن اسلامی» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۲، تابستان، ص ۸۵.
۲. دوورژه، موريس (۱۳۶۹)، *اصول علم سياست*، ترجمه ابوالفضل قاضي، دانشگاه تهران، ص ۷.
۳. بشيريه، حسين (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی، نگاه معاصر، ص ۱۲.
۴. قوام، عبدالعلي (۱۳۷۴)، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۲.
۵. حشمت زاده، محمداقبر (۱۳۷۹)، *ایران و نفت*، انتشارات باز، ص ۴۴۴.
۶. _____ (۱۳۷۹)، ایران و علم سیاست، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، ص ۱۵۰.
۷. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، *علم سیاست در ایران*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، جلد دوم، ۱۳۸۲، ص ۱۳.
۸. حشمت زاده، محمداقبر (۱۳۸۰)، «تحول انقلابی توسعه سیاسی»، *قبسات*، پاییز، ص ۱۰۶.
۹. رابینز، استیفن پی (۱۳۸۰)، *مبانی رفتار سازمانی*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی.
۱۰. حاجی یوسفی، امیر محمد و محمداقبر حشمت زاده (۱۳۸۱)، روش تحلیل سیاسی، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه، درنامه اردوی آموزش سیاسی دانشجویان، تیر، ۱۳۸۱، ص ۳۴.
۱۱. حشمت زاده، محمداقبر (۱۳۸۱)، «اندیشه سیاسی کارآمد در ایران امروز»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شهریور.
12. M.B. Heshmatzade (2002), «A Survey of Political Attitudes of Iranian University Students» *Discourse*, vol 4, Summer.
۱۳. نشریه کار و تأمین اجتماعی، تابستان ۱۳۸۰.
۱۴. نشریه انجمن روابط عمومی ایران، مهر ۱۳۸۳.
۱۵. مصاحبه و گفت و گوی نگارنده با مسئولان دانشگاه‌های وزارت علوم تحقیقات و فناوری و سازمان سنجش.
۱۶. سریع القلم، محمود (۱۳۸۲)، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران*، تهران: نشر مرکز، ص ۵۷.
۱۷. لوکس، استیون (۱۳۷۰)، *قدرت*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ص ۲۰.